

سؤالاتیکه در احکام الهیه نموده بودند عرض شد از مطلع عنایت این جواب

مشرق و لائح ...

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت بهاء الله - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی
- شماره ۳۷۷

سؤالاتیکه در احکام الهیه نموده بودند عرض شد از مطلع عنایت این جواب مشرق و لائح قوله جل کبریائه جناب زین المقربین انشاء الله بعنایة الله در کلّ عوالم فائز باشید سؤالات شما لدی العرش مقبولست چه که منفعت کلّ خلق در اوست و مخصوص امر نمودیم ترا که در احکام و آیات الهیه سؤال نمائی انا جعلناک مطلع الخیر للعباد باید در کلّ احیان ناس را با احکام الهیه امر نمائید که شاید به ما امر به الله و ما ینتفع به انفسهم فائز شوند اگرچه نفوسیکه تابع اوامر الهی باشند کم مشاهده میشود چنانچه جمعی حال در بلدان بنور ایمان فائزند و لکن به عمل بما نزل من عنده هنوز فائز نگشته اند مگر قلیلی و از قبل بآنجناب نوشتیم که اگر حقوق الله را ادا مینمودند عباد آن ارض آسوده بودند قبل از حکم نفسی مکلف نبوده و قلم اعلی در سنین معدوده در انزال احکام و اوامر توقف نموده و این نظر بفضل الهی بوده و اگر اهل امکان بثمرات ما انزله الرحمن عارف شوند کل بامرش قیام نمایند و بآنچه فرموده عامل شوند و لکن نظر بحکمتیکه در الواح الله نازل شده بعض احکام که الیوم سبب ضوضای ناس و علت احتجاج خلق است اگر ترک شود لا بأس و اما اعمالیکه سبب اعراض و اشتها نیست مثل اذکار و ادای حقوق و امثال آن البتّه کل باید بآن عامل شوند و در باره زکوة هم امر نمودیم کما نزل فی الفرقان عمل نمایند انشاء الله در این آیام بعض از آیات کتاب اقدس بلسان پارسی بیان میشود و در ضمن بعضی از احکام که نازل نشده ذکر خواهد شد ان ربک فی کلّ الأحوال اراد خیر احبائه و یعلّهم سبیلہ الحق الواضح المستقیم

اینکه مرقوم فرموده بودند که این بنده نوشته که حقوق الله هر صد مثقال نوزده مثقالست چه از ذهب و چه از فضّه و چه از اشیای موجوده و فرموده بودید که از این همه مفهوم شد که این حقّی است که در مال میّت تعلّق میگیرد و بعد از ادای آن سایر اموال تقسیم میشود قوله عزّ کبریائه قلم اعلی میفرماید نصاب حقوق الله نوزده مثقال از ذهبست بعد از بلوغ باین مقدار حقوق تعلّق میگیرد و اما فضّه بعد از بلوغ او باین مقام قیمه لا عدداً و کذلک فی سائر الاشیاء و اما حقوق الله یکمرتبه تعلّق میگیرد مثلاً شخصی مالک شد هزار مثقال از ذهب را و حقوق آنرا ادا نمود بر آن مال دیگر حقّ الله تعلّق نمیگیرد مگر بر آنچه بتجارات و معاملات بر او بیفزاید و بحدّ نصاب برسد یعنی منافع محصولة از آن در این صورت به ما حکم به الله باید عمل شود الا اذا انتقل المال الی ید اخرى اذا یتعلّق به الحقوق کما تعلّق اول مرّة در اینوقت حقوق



ORIGINAL

الهی باید اخذ شود از حقّ جلّ جلاله بخواهید که احبّای خود را موفق فرماید تا کل از بحر رضای الهی که سبب و علّت نجات اهل عالمست نصیب بردارند و بآنچه سبب تطهیر و ابقای وجود است بالطّوع عامل گردند نقطهٔ اولی میفرماید از بهاء کلّشیء که مالکند باید حقوق الله را ادا نمایند ولیکن نظر بفضل اعظم اسباب بیت و بیت مسکونه را عفو نمودیم یعنی اسبابیکه ما محتاج به است

و اینکه سؤال نموده بودند که حقوق الله و دیون میّت و تجهیز اسباب کدام مقدّمست حکم الله آنکه تجهیز مقدّمست و بعد ادای دیون و بعد اخذ حقوق الهی آنّه یؤدّی دیون احبّائه و من اولی به فی ذلک آنّه لهو الموقّ المؤدّی الکریم و اگر مال معادل دیون نباشد آنچه موجود است بمقتضای آن قلیلاً و کثیراً قسمت شود امر دین اهمّست در کتاب طوبی لمن صعد و لم یکن علیه حقوق الله و عبادۀ و معلوم بوده که حقوق الله مقدّمست بر جمیع حقوق ولیکن محض فضل حکم مطلع الوحی بما نزل فی هذا اللّوح من قلبه المحیی العلیم

اینکه مرقوم فرموده بودند که در باب ارث مقرر شده که اگر ذریّه موجود نباشد حقوق ایشان به بیت العدل راجعست هر یک از طبقات هم هرگاه موجود نباشند مثل اب یا امّ یا اخ یا اخت یا معلّم حقوق آنها راجع به بیت العدل است یا قسم دیگر است اینفقره بیان آن در کتاب الهی نازل شده قوله تعالی من مات و لم یکن له ذریّه یرجع حقوقهم الی بیت العدل الی آخر و الذی له ذریّه و لم یکن ما دونها عمّا حدّد فی الکتاب یرجع الثلثان ممّا ترکه الی الذریّه و الثلث الی بیت العدل کذلک حکم الغنی المتعال بالعظمه و الاجلال اگر ذریّه موجود باشد و نفوس اخری از اب و امّ و اخ و اخت و سایرین کلّهم او بعضهم مفقود باشند حقوق آن نفوس سه قسمت میشود دو قسمت آن بذریّه راجعست و یک قسمت آن به بیت العدل معنی آیه مبارکه چنین میشود نفسیکه از برای او ذریّه بوده و نبوده است ما دونها ای ما دون ذریّه عمّا حدّد فی الکتاب ای نفوس مذکوره در آن از اب و امّ و زوج و اخ و اخت و معلّم راجع میشود دو ثلث از حقوق نفوس مذکوره عمّا ترکه المیّت بذریّه و یک ثلث الی بیت العدل و این حکم در کل و بعض هر دو جاریست